

## بررسی جامعه‌شناختی رابطه سبک زندگی و هیئت‌های مذهبی

ابوالفضل احمدی\*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۳/۲

تاریخ تأیید مقاله: ۹۴/۵/۱۲

### چکیده

در این مقاله با بهره‌مندی از الگوی تبیینی بوردیو، چگونگی رابطه هیئت‌های مذهبی و سبک زندگی بررسی شده است. به این منظور، ضمن مطالعه اسنادی، هر یک از مفاهیم تعریف شده و ویژگی‌ها و کارکردهای آنها مورد واکاوی قرار گرفته و در نهایت، رابطه آنها و چگونگی تأثیرگذاری‌شان نسبت به یکدیگر تحلیل شده است. از یافته‌های این تحقیق می‌توان به رابطه متقابل و دوسویه مفهومی هیئت‌های مذهبی و سبک زندگی اشاره کرد. در واقع؛ همان‌گونه که کنشگران جامعه، هیئتی را متناسب با سبک زندگی خود از لحاظ سن، جنس، مکان، زمان، فعالیت و محتوا برمی‌گزینند که با ذائقه و سلیقه آنان تناسب داشته و از برنامه‌های آن بهره‌مند شوند؛ همان‌گونه نیز برنامه‌های مختلف هیئت، سرمایه‌های مذهبی شرکت‌کنندگان را افزایش می‌دهد و در پایداری عادت‌واره‌های آنان یا به عبارتی در درونی کردن خوی و خصلت دینی‌شان تلاش می‌کند و ضمن تقویت، پایداری و تداوم سبک‌های زندگی آنان، شرکت‌کنندگان را در برابر تأثیرات مخرب برخی از میدان‌های اجتماعی واکسینه کرده، از ابتلا به برخی از آسیب‌های اجتماعی پیشگیری می‌کند و همچنین، شیوه‌های تقویت و تداوم این سبک زندگی را به آنان آموزش می‌دهد. البته با جلب رضایت و خشنودی آنان، در حضور مستمرشان در هیئت نیز تلاش می‌کند تا به این ترتیب، موقعیت عینی و دینی شرکت‌کنندگان را در نظام اجتماعی تثبیت کند تا سبک زندگی دینی و اسلامی را به نمایش بگذارند.

**واژگان کلیدی:** دین، مناسک دینی، هیئت‌های مذهبی، سبک زندگی، کارکرد، سرمایه مذهبی

سبک زندگی یکی از اصطلاحات بین رشته‌ای است که طی یک قرن گذشته وارد ادبیات علمی جهان شده است؛ اگر چه این مفهوم با زندگی اجتماعی انسان آغاز شده و قدمتی معادل حیات بشر دارد؛ به گونه‌ای که انسان‌ها و گروه‌های انسانی از همان ابتدای خلقت دارای یک شیوه، آیین و رسم زندگی بوده‌اند که قطعاً مختصات و ویژگی‌های خاص خودش را نیز دارا بوده و در اعصار مختلف با توجه به شرایط اجتماعی انسان‌ها تحولاتی را در برداشته است. از این منظر، چه بسا بتوان سبک‌های زندگی انسان‌ها را متناسب با شاخص‌های امروزی طبقه‌بندی کرد تا بدین ترتیب شاهد سبک‌های زندگی متفاوتی باشیم که هر یک کارکردهای مختص خود را داشته و بقای زندگی بشر را به ارمغان آورده است. البته اگر بخواهیم مفهوم و اصطلاح سبک زندگی را در دین اسلام نیز بررسی کنیم، معادل این واژه، در ادبیات دینی ما تحت عنوان سیره و آداب زندگی، قدمتی ۱۴۰۰ ساله دارد؛ به گونه‌ای که بعد از رحلت پیغمبر اکرم (ص)، مورخان برای اینکه آداب و شیوه زندگی آن حضرت را مکتوب کنند تا دچار تحریف نشود، به سیره‌نویسی پرداختند تا مسلمانان، ضمن آشنایی با سیره عملی و رفتاری خاتم انبیا (ص)، بنا به فرمایش خداوند متعال در قرآن کریم، از این اسوه حسنه پیروی کنند. بدین ترتیب، در میان مورخان اسلامی، سیره‌نویسی متداول شد که در حال حاضر نیز کتاب‌های زیادی تحت عنوان سیره نبوی وجود دارد. اما آنچه مسلم است، خاستگاه علمی مفهوم سبک زندگی، به مطالعات غرب در قرن نوزدهم برمی‌گردد که ابتدا رویکرد روان‌شناسانه و فردی داشته و سپس در سایر رشته‌ها - به ویژه در جامعه‌شناسی - مورد استقبال قرار گرفته و نظریه‌پردازی شده است که البته سبک زندگی در جامعه‌شناسی دارای ویژگی‌های خاص خود است که عبارتند از: گروهی بودن، انتخابی بودن، تشخص و متمایزکنندگی و انسجام‌یافتگی سبک زندگی. (احمدی، ۱۳۹۱: ۲۸-۲۷)

نکته قابل توجه درباره سبک زندگی، وابستگی آن با مفهوم مصرف است؛ به طوری که اکثر نظریه‌پردازان نیز با این نگرش به سبک زندگی پرداخته و آن را تعریف کرده‌اند؛ تا جایی که برخی سبک زندگی را «سازمان اجتماعی مصرف» نامیده‌اند (چینی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶: ۸۹). در واقع؛ ویژگی‌های سبک زندگی به ویژه تشخص و انتخابی بودن آن نیز به مفهوم مصرف و



مصرف‌گرایی برمی‌گردد؛ زیرا انسان‌ها متناسب با طبع تنوع‌طلبانه خود، موارد مصرفی اعم از مادی و غیر مادی (فرهنگی) را گزینش و انتخاب کرده، سعی می‌کنند با مصرف متمایز، تشخص خود را در جامعه به نمایش بگذارند. بنابر این، سبک زندگی و مصرف افراد، وجه تمایز یافتگی آنان برای کسب هویت در جامعه محسوب می‌شود. بدین ترتیب، سبک زندگی بیانگر رفتارهای عینی افراد در جامعه است که برگرفته از ارزش‌ها و نگرش‌های آنان در مواجهه با دیگران است و به همین دلیل، امروزه سبک زندگی نیز سازه‌های هویتی پیدا کرده و از این منظر نیز مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

بنابر این، مطابق رویکرد هویت اجتماعی، سبک زندگی از طریق مصرف بروز می‌کند و بن‌مایه ارتباطات معنادار افراد در جامعه تلقی می‌شود. در واقع؛ افراد جامعه هویت فردی و اجتماعی خود را با کالا و اشیاء به نمایش می‌گذارند؛ به گونه‌ای که هویت آنان به چگونگی مصرف کالاها وابسته است که اصطلاحاً به نوعی دچار شی‌وارگی می‌شوند. در این صورت، افراد به جای اینکه برای خود زندگی کنند، به خواست سایر افراد جامعه توجه کرده، برای آنان زندگی می‌کنند که این مطابق آموزه‌های دینی اسلام نیست.

بر اساس نظرات بسیاری از جامعه‌شناسان، از جمله: وبر، زیمل، گیدنز، بوردیو و ...، امروزه تنها عامل اقتصادی - مثل آنچه مارکس می‌گفت - نمی‌تواند تعیین‌کننده شیوه زندگی افراد باشد و عوامل دیگری یا به تعبیر بوردیو، سرمایه‌های دیگری چون: سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و نمادین نیز بر کنش و سبک زندگی انسان‌ها مؤثرند (استوری: ۱۳۸۶). بنابر این، دین نیز به عنوان یکی از سرمایه‌های اصلی جامعه، باعث می‌شود که افراد متأثر از آن بتوانند نگرش‌ها، رفتارها و در نهایت، سبک زندگی خود را از دیگران متمایز کنند یا چنانچه ارزش‌ها را منشأ اصلی سبک زندگی بدانیم، دین و ارزش‌های متأثر از آن می‌تواند نقش مهمی را در شکل‌گیری سبک زندگی ایفا کند؛ اگر چه دین در سبک زندگی غربی هم به عنوان یک ارزش فردی اهمیت دارد؛ ولی اهمیت آن در حدی نیست که در تمامی انتخاب‌ها و سلیقه‌ها و ترجیحات مصرفی تعیین‌کننده سبک زندگی باشد. (احمدی، ۱۳۹۳: ۱۶-۱۵)

بدین ترتیب، برای شکل‌گیری و ایجاد سبک زندگی، نیازمند یک نظام معنایی و ارزشی هستیم که سبک زندگی ما را به گونه‌ای شکل دهد تا بتوانیم ضمن تعاملات سازنده با سایر افراد جامعه، اولاً، مطابق نیازها و خواست خودمان زندگی کرده و هویت واقعی خود را در



جامعه معرفی کنیم و ثانیاً، سبک زندگی ما سعادتمندانه بوده و ما را رستگار سازد. از این رو، حتی اولین پژوهشگران بر این باورند که ارزش‌ها، اصلی‌ترین منبع شکل‌گیری سبک زندگی‌اند. بنابر این، تأکید داشتند که شناخت ساختار ارزش‌های فردی، اصلی‌ترین وظیفه برای درک سبک زندگی افراد است. به طور کلی طرفداران نقش ارزش‌ها در شکل دادن به سبک زندگی معتقدند که ارزش‌های فعلی فرد، تعیین‌کننده سبک زندگی اوست و از جمله این ارزش‌ها را «ارزش‌های دینی» می‌دانند (فاضلی، ۱۳۸۲). در این خصوص، برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که دین در ایجاد، شکل‌دهی و تداوم سبک زندگی نقش مهمی را بر عهده دارد و برخی دیگر نیز دین را یکی از شاخص‌های سبک زندگی می‌دانند؛ که با هر دو دیدگاه می‌توان رابطه داشتن دین و سبک زندگی را درک کرد؛ اگر چه در مراحل بعدی می‌بایست چگونگی این رابطه را مورد بررسی و مذاقه قرار داد. در میان ادیان مختلف، «دین اسلام» به دلیل تأثیرگذاری بر سبک زندگی پیروان خود، مقامی برجسته و ممتاز دارد؛ زیرا تنها به ارائه اصول و ارزش‌های کلی، بسنده نکرده و سنن و قوانین عملی بسیاری برای حوزه‌های مختلف زندگی بشر ارائه داده است. بنابر این، سبک زندگی‌ای که اسلام ارائه می‌دهد، طرح مهندسی ویژه‌ای را برای کاربرد در زندگی فردی و اجتماعی فراهم می‌کند (غلامرضایی، ۱۳۸۹: ۱۱). هدف ما در این مقاله، بررسی رابطه سبک زندگی با هیأت‌های مذهبی - به عنوان یکی از مهم‌ترین مناسک دین اسلام - می‌باشد.

مناسک یا هیأت‌های مذهبی، با وجود داشتن منشأ و کارکردهای دینی، از پدیده‌های عینی در جامعه به شمار می‌آیند و در واقع، ایجاد، تداوم و تغییر و تحول آن در همه اعصار زندگی، متناسب با شرایط اجتماعی و رفتار دین‌مداران بوده است؛ به گونه‌ای که مراسم عزاداری و ذکر مصایب وارده بر سالار شهیدان در پهنه تاریخ، از جهات گوناگون دچار دگرگونی شده است که بخشی از آن در بستر فرهنگ هر جامعه‌ای قرار داشته و در راستای انتقال هر چه بهتر محتوا و پیام قیام حسینی و مطابق سلیقه‌ها و ترجیحات افراد جامعه بوده که نظام معنایی و محتوایی را تغییر نداده است و بخش دیگر نیز در نظام معنایی مراسم‌های عزاداری تغییراتی ایجاد کرده که به طور مشخص در جهت تحریف پیام‌های واقعی این حماسه نقش داشته است (احمدی، ۱۳۹۳: ۲۸). بنابر این، تغییرات ایجاد شده در شکل و فرم مناسک و هیأت‌های مذهبی، بر رونق بخشیدن و هر چه جذاب‌تر شدن آن نقش داشته و افراد جامعه نیز متناسب با فرهنگ خود بر پویایی و بالندگی آن افزوده‌اند.



با این مقدمه کوتاه، در این مقاله قصد پاسخگویی به سؤالات ذیل را داریم که عبارتند از:

۱. آیا سبک زندگی و هیئت‌های مذهبی دارای رابطه متقابل می‌باشند؟
۲. هیئت‌های مذهبی چه تأثیری بر سبک زندگی افراد دارد؟
۳. آیا سبک زندگی بر هیئت‌های مذهبی تأثیر دارد؟
۴. تأثیرات سبک زندگی و هیئت‌های مذهبی بر یکدیگر چگونه است؟

## ب) سیره و آداب زندگی اسلامی

اسلام، دینی است که در تمام مراحل زندگی انسان ظهور و بروز داشته و برای همه دوران زندگی بشر، از قبل از تولد تا مرگ، از طریق قرآن کریم و ائمه طاهرين (ع) برنامه و دستورالعمل ارائه داده است.

در یک نگاه کلی، دین اسلام متشکل از سه بعد اصلی عقاید، اخلاق و احکام است که به طور سیستمی با یکدیگر در ارتباط بوده و در یک روابط متقابل و همه‌جانبه در تعاملند؛ به طوری که اخلاق بدون احکام، یا عقاید بدون اخلاق، دینداری ناقصی را به ارمغان خواهد آورد.

بعد اول، اصول اعتقادی اسلام است که مسلمانان با ایمان و عقیده به این اصول، پایه دینداری خود را بنا می‌کنند که البته این اصول، از طریق تحقیق و علم به دست می‌آید؛ بعد دوم نیز اصول اخلاقی است که مسلمانان می‌بایست زندگی خود را با آن منطبق کرده، لباس خداپاوری را بر تن کنند؛ به گونه‌ای که مراقبت از نفس و خودسازی، از وظایف مهم مسلمان به شمار می‌آید و در نهایت، بعد سوم شامل احکام و وظایف عملی - عبادی مسلمانان است که اصطلاحاً مسائل مربوط به فروع دین است و امور تقلیدی به شمار می‌رود. بدین ترتیب، به طور مشخص در دو بعد اخلاق و احکام، به آداب، شیوه و سبک زندگی مسلمانان پرداخته شده و چگونگی زندگی اسلامی در قرآن کریم معرفی شده که مظهر کامل آن در پیامبر اسلام (ص) و ائمه طاهرين (ع) تبلور یافته است؛ به طوری که قرآن کریم پیامبر اکرم (ص) را به عنوان اسوه حسنه<sup>۱</sup> معرفی فرموده که با پیروی از وجود مبارکش، می‌توان به فلاح و رستگاری رسید.

۱. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب: ۲۱)



بعد از رحلت پیامبر اکرم(ص) مورخان مسلمان بر آن شدند تا شیوه و راه و روش زندگی پیامبر(ص) را به عنوان منبعی برای تأسی و پیروی جمع‌آوری کرده، به سایر مسلمانان ارائه کنند. از این رو، مورخان عنوان کتاب‌های خود را که حتی شامل جنگ‌ها و غزوات و سایر ابعاد زندگی آن حضرت هم می‌شد، «سیره النبی» نام نهادند. بدین ترتیب از اواخر سده اول و اوایل سده دوم هجری اصطلاح «سیره» به معنای شرح وقایع دوران زندگی رسول خدا(ص) رواج یافت که می‌توان به سیره محمد بن اسحاق بن یسار مطلبی به عنوان اولین کتاب درباره سیره پیامبر گرامی اسلام(ص) اشاره کرد. البته سیره ابن اسحاق چندین بار تلخیص و تهذیب شده که مشهورتر از همه، سیره ابن هشام است که به فارسی نیز ترجمه شده و در دسترس همگان می‌باشد. بنابر این، اصطلاح معادل سبک زندگی در دین اسلام، مفهوم سیره و آداب زندگی است که قدمتی ۱۴۰۰ ساله دارد و شامل رفتارهایی است که بر پایه اعتقادات، باورها و ارزش‌های اسلامی شکل گرفته و نماد ظاهری مسلمانان در جامعه به شمار می‌رود.

زنده نگه داشتن سیره رسول اعظم(ص)، معادل زنده نگه داشتن اصل دین و شریعت اسلام است و بارها در اعصار مختلف، مورخان سعی کردند تا تحریفاتی در این سیره ایجاد کنند که موفق نشدند. اهمیت احیا و تداوم سیره النبی(ص) را می‌توان در حماسه عاشوار مشاهده کرد؛ به گونه‌ای که سالار شهیدان(ع) در وصیتی به برادرش محمد بن حنفیه<sup>۱</sup> یکی از انگیزه‌های اصلی قیام خونین و پرشکوه خود را تأسی به سیره جد بزرگوارشان رسول خدا(ص) و پدر بزرگوارشان حضرت علی(ع) ذکر کرده‌اند؛ به گونه‌ای که در این راه، جان مبارک خود، فرزندان و اصحاب باوفای خود را فدا کردند تا بدین ترتیب، سیره تحریف شده و به فراموش شده جد بزرگوارشان رسول خدا(ص) و حضرت امیر(ع) را احیا کنند.

از این رو، برپایی عزاداری سالار شهیدان(ع) از توصیه‌های امامان معصوم(ع) است که در واقع ما را به زنده نگه داشتن سیره پیامبر اعظم(ص) و احیای حقیقت شریعت محمدی توصیه کرده‌اند. مسلمانان نیز با برپایی این گونه مناسک و هیئت‌ها، هدف اصلی این قیام را که اصلاح دین مردم و احیای دوباره سیره خاتم انبیا(ص) است، حفظ و حراست می‌کنند. بنابر این، مناسک دینی و عزاداری سیدالشهدا(ع) در دین اسلام

۱. «تَمَا خَرَجْتُ لَطَلَبُ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ».



از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و دارای نقش و کارکردهای مثبت و فراوانی است که در جای خود بحث خواهد شد.

### ج) مفهوم مناسک دینی (هیئت‌های مذهبی)

مناسک یکی از عناصر جدایی‌ناپذیر دین است؛ به گونه‌ای که ماندگاری و بقای هر دینی به مناسک و اجتماعات آن بستگی دارد. برخی از جامعه‌شناسان آنقدر برای این عنصر اهمیت قایل شده‌اند، که آنان را جامعه‌شناسان مناسک‌گرا نامیده‌اند. امیل دورکیم، مناسک را یکی از عناصر مهم و کلیدی دین می‌داند و بر این باور است: دین زائیده مناسک می‌باشد و از طریق مشارکت در مناسک و مراسم مذهبی است که قدرت اخلاقی جامعه آشکارا احساس می‌شود و احساسات اخلاقی و اجتماعی از همین طریق تقویت و تجدید می‌شود. به نظر او، همین مناسک است که احساسات دینی را ایجاد، تقویت و تجدید می‌کند و حس وابستگی به یک قدرت خارجی روحانی و اخلاقی را که در واقع همان جامعه است، تشدید می‌کند. همین مناسک و ماهیت جمعی چنین گردهمایی‌هاست که این همه شور و شوق برمی‌انگیزاند و شرکت‌کنندگان را به اهمیت گروه و جامعه در قالب آیین‌های دینی آگاه می‌سازد که در این صورت، مناسک، همبستگی و انسجام اجتماعی را ایجاد و تداوم می‌بخشد. (همان: ۱۷۷-۱۷۶)

با جمع‌بندی نظرات جامعه‌شناسان پیرامون جایگاه مراسم و اجتماعات مذهبی می‌توان گفت: مناسک، جنبه عینی و آشکار باورداشت‌ها و اعتقادات دینی بوده و در واقع؛ کنش‌های نمادین به شمار می‌روند؛ به طوری که معانی دین را به اذهان متبادر ساخته و علاوه بر بازتولید باورهای دینی، افراد از طریق حضور در این گونه اجتماعات، در کنار سایر افراد گروه، باورهای خود را تقویت می‌کنند. همچنین، این گونه اجتماعات مذهبی، بیانگر وحدت مذهبی می‌باشند. (احمدی، ۱۳۹۳: ۳۴)

یکی از مناسک مهم دین اسلام، هیئت‌های مذهبی‌اند که مطابق نظرات جامعه‌شناسان، همان مراسم و اجتماعات مذهبی به شمار می‌روند. با وجود اینکه هیئت‌ها و مناسک مذهبی یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اجتماعی و موضوعات مهم جامعه و فرهنگ ایرانی است، اما متأسفانه تاکنون آن گونه که می‌بایست، در محافل علمی به آن پرداخته نشده و چه بسا عدم ورود علمی به این عرصه، باعث بروز تحریفات معنوی و مادی زیادی



در شکل و محتوای هیئت‌های مذهبی شده است. از طرفی، با وجود پیوند بسیار قوی هیئت‌ها با توده مردم، این مراسم مذهبی هنوز در افکار عمومی جامعه، صرفاً به عنوان یک گروه و تجمع دینی با کارکردهای بسیار ابتدایی از جمله: کسب ثواب و اجر الهی، تقرّب معنوی، برآورده شدن حاجات مستمعین و اقامه عزای اهل بیت و سیدالشهدا(ع) مطرح است. اگر چه این موارد هم جزء کارکردهای هیئت به شمار می‌روند، اما محدود کردن بُرد و دامنه اثربخشی هیئت‌ها صرفاً به برخی از رفتارها و آداب مذهبی، زنده نگه داشتن شعایر و نمادهای دینی و مواردی که اشاره شد، غافل شدن از ظرفیت‌ها و پتانسیل عظیم و بی‌نظیر این فرصت اجتماعی و البته الهی شیعیان است؛ زیرا هیئت‌های مذهبی، دانشگاه شیعه با کلاس‌های مختلف قرآن‌شناسی، دین‌شناسی، امام‌شناسی، زمان‌شناسی، دشمن‌شناسی و ... است و از طرفی، رسانه ماندگار شیعیان به شمار می‌رود و چه بسا بتوان گفت هنوز برخی از کارکردهای آن ناشناخته مانده و از همه ظرفیت‌های آن نیز آن طور که باید، استفاده نشده است.

در برخی از کتاب‌های جامعه‌شناسی مناسک دینی، هیئت‌ها را گروهی اجتماعی معرفی کرده و چهار ویژگی یک گروه اجتماعی را اعم از: هدف مشترک، فعالیت مشترک، کنش متقابل و احساس تعلق خاطر، در آن شناسایی کرده‌اند (مظاهری، ۱۳۷۸: ۲۷۶). چه بسا این رویکرد و دیدگاه صحیح باشد، اما نگارنده بر این باور است که هیئت‌های مذهبی با کارکردهای مهم و درخور توجهی که دارد، یک نهاد اجتماعی است؛ زیرا هیئت‌ها در طول تاریخ دارای نظام و سیستمی پایدارند که ضمن برآوردن نیازهای افراد جامعه، متضمن ارزش‌های آنان بوده، بخش عظیمی از اعضای جامعه نیز در برگزاری آن مشارکت فعال دارند. در واقع؛ یک نهاد اجتماعی پویا و اثرگذار که در رشد و بالندگی کمی و کیفی افراد جامعه نقش‌آفرینی می‌کند. به عبارتی دیگر؛ هیئت‌های مذهبی، یک تشکّل یا سازمان مردم‌نهاد خودجوش و مردمی‌اند که بر اساس باورها و اعتقادات دینی مردم شکل می‌گیرند و دارای کارکردی فراتر از یک تجمع دینی ساده‌اند؛ به گونه‌ای که شیعه دین خود را مدیون برپایی مستمر هیئت‌های عزاداری است. از این رو، بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی(ره) فرمودند: «این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است».

در واقع؛ این نهاد مذهبی در راستای گسترش فرهنگ اسلامی برپا می‌شود و درصدد





ترویج سبک زندگی اهل بیت (ع) به ویژه امام حسین (ع) و به عبارتی؛ سبک زندگی اسلامی است. از این رو، می‌توان هیئت را این‌گونه تعریف کرد: عده‌ای از مردم در طول سال، آگاهانه، با اشتیاق، به طور منظم و البته خودجوش دور هم جمع می‌شوند تا از فرصت اجتماع ایجاد شده و برنامه‌های آن شامل قرائت قرآن، ذکر مصیبت و سخنرانی، به طور بهینه بهره‌مند شوند. این فرصتی برای شیعیان است تا ضمن تعظیم شعایر الهی و حفظ و تقویت باورداشت‌ها و اعتقادات دینداران، نسبت به سیره و آداب زندگی عملی اهل بیت (ع) آگاهی یافته و با پیروی از سیره آن بزرگواران، راه سعادت و رستگاری را بیمایند.

### د) انواع هیئت‌های مذهبی

با توجه به قدمت هیئت‌ها و پیوند آن با فرهنگ توده مردم، طبعاً این‌گونه مراسم مذهبی، از لحاظ شکل و محتوای برگزاری نیز متفاوت بوده و انواع مختلفی دارد. اما دو عامل مهم و تأثیرگذار در تحول هیئت‌ها از منظر شکل و محتوا رخ داده است (یکی وقوع انقلاب اسلامی ایران و دیگری دفاع مقدس) که هر یک به نوبه خود، تأثیرات شگرفی بر چگونگی و محتوای هیئت‌های مذهبی داشته‌اند؛ به طوری که عده‌ای هیئت‌ها را به دو گونه قبل از انقلاب و بعد از انقلاب یا هیئت‌های قبل، حین و بعد از دفاع مقدس تقسیم‌بندی کرده‌اند. البته برخی نیز انواع هیئت‌ها را ترکیبی از این دو تقسیم‌بندی دانسته‌اند؛ شامل هیئت‌های سنتی، هیئت‌های انقلابی دوران دفاع مقدس، هیئت‌های انقلابی دوران پس از دفاع مقدس، هیئت‌های عامه‌پسند و شبه‌هیئت‌ها که هر یک از اینها دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشند (مظاهری: ۱۳۸۷). نگارنده نیز در تحقیقی جداگانه، هیئت‌ها را به طور کلی به دو دسته سنتی و غیر سنتی تقسیم کرده و ویژگی‌های هر یک را برشمرده است. (احمدی و بهار، ۱۳۹۳)

می‌توان هیئت‌ها را از جهات مختلف تقسیم‌بندی کرد؛ از جمله: زمان، مکان، فعالیت، محتوا و اقشار جامعه و هر یک نیز دارای ویژگی‌های خاصی به شرح ذیل می‌باشند:

۱. زمان: هیئت‌های منظم هفتگی، ماهانه، فصلی، سالی و ایام خاص (ولادت و شهادت ائمه اطهار (ع)؛

۲. مکان: مسجد، حسینیه، مدارس، دانشگاه، هیئت‌های خانگی، ادارات و سازمان‌های دولتی و خصوصی؛



۳. فعالیت: فعال، نیمه فعال، موردی، مقطعی و مناسبتی؛

۴. محتوا: هیئت‌ها از نظر محتوا دارای چهار رکن اصلی؛ یعنی قرائت قرآن، قرائت زیارت یا دعا، روضه‌خوانی و سخنرانی می‌باشند که برخی از هیئت‌ها صرفاً یک یا چند رکن دارند، اگر چه عدم هر یک از ارکان، طبعاً در هدف برگزاری و کارکردهای اصلی هیئت‌ها نقصان به شمار می‌رود؛

۵. اقشار جامعه: هیئت عمومی (شامل همه اقشار جامعه)، هیئت زنانه، هیئت مردانه، هیئت جوانان، هیئت نوجوانان، هیئت میانسالان و هیئت‌های قومی و فامیلی.

## ه) کارکردهای هیئت‌های مذهبی

کارکردهای هیئت‌های مذهبی را می‌توان به دو دسته عام و خاص تقسیم کرد تا بدین ترتیب بتوان اثرات و فایده‌های اصلی این مناسک مهم دین اسلام را تبیین و معرفی کرد.

### ۱. کارکردهای عام

- حفظ ارزش‌های دینی، حمایت و پشتیبانی از اهداف تثبیت‌شده آن؛
- ایجاد امنیت عاطفی و احساس هویت دینی؛
- آشنایی با مسائل روز جامعه (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی)؛
- تمرین و ممارست برای انجام کارهای گروهی و جمعی؛
- کمک به توجیه وضع موجود جامعه و حکومت؛
- بستری برای شروع اعتراض‌ها و انقلابات اجتماعی (مانند نقش هیئت‌ها در وقوع انقلاب اسلامی ایران). (برای مطالعه بیشتر، رک. به: احمدی و بهار، ۱۳۹۳)

### ۲. کارکردهای خاص

- این دسته از کارکردها، که به نظر می‌رسد مختص مناسک جمعی دین اسلام تحت عنوان هیئت‌های مذهبی است، در واقع؛ کارکردهایی است که ویژگی‌های یک هیئت مذهبی مطلوب و طراز اسلام را نیز معرفی می‌کند. بدین ترتیب، یک هیئت ایده‌آل و موفق می‌بایست این کارکردها را دارا باشد که عبارتند از:
- معرفی سیره و آداب اسلامی (سبک زندگی اسلامی)؛
  - معرفی اسوه‌های کامل دین (الگوسازی)؛



- آموزش معارف دین (معرفت‌سازی)؛

- افزایش ایمان و محبت مستمعین (محبت‌زا بودن).

در این خصوص، مقام معظم رهبری فرموده‌اند: «به اعتقاد بنده، مجالس عزاداری حسینی باید از سه ویژگی برخوردار باشد؛ اولین ویژگی باید این باشد که چنین مجالسی، محبت به اهل بیت (ع) را زیاد کنند... دومین ویژگی‌ای که باید در این مجالس به وجود آید، این است که مردم نسبت به اصل حادثه عاشورا، معرفت روشن‌تر و واضح‌تری پیدا کنند... سومین ویژگی لازم در این مجالس، افزایش ایمان و معرفت دینی در مردم است». (بیانات در جمع روحانیون استان کهگیلویه و بویراحمد در آستانه ماه محرم، ۱۳۷۳/۳/۱۷)

## و) مبانی نظری

### ۱. مفهوم سبک زندگی

اصطلاح سبک زندگی، در دو سنت متفاوت علمی پایه‌گذاری شده و رشد یافته است: یکی جامعه‌شناسی و دیگری روان‌شناسی. نگاه روان‌شناختی، طبعاً نگاهی فردی و بیشتر بر آگاهی و گزینش‌گری و خلاقیت متکی است. البته همه اینها با پذیرش تأثیر محیط اجتماعی و فیزیکی به عنوان زمینه بروز جلوه‌های مختلف سبک زندگی همراه است. بنابر این، سبک زندگی در روان‌شناسی در حوزه‌های نظریه‌های شخصیت تداوم یافته است. اما در سنت جامعه‌شناسی، نگاه به سبک زندگی از منظری کاملاً جمعی آغاز شد و به سوی نگاهی فردی - جمعی پیش رفت. نگاه جامعه‌شناسی بر فرایند جامعه‌پذیری، آگاهی و گزینش‌گری محدود از میان الگوهای موجود در فضای اجتماعی مبتنی بوده و امروزه بر گسترش روزافزون این محدوده و فرصت‌های بیشتر برای خلاقیت‌ها تأکید می‌شود. (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۱۲۶)

سوبل<sup>۱</sup> (۱۹۸۱) بر این باور است که دهه ۷۰ میلادی آغازی است برای نظریه‌پردازی سبک زندگی. او سبک زندگی را مجموعه‌ای از رفتارهای قابل مشاهده و بیانگرانه در میان افراد تعریف می‌کند (چینی، ۱۹۹۶: ۱). از نظر سوبل، سبک زندگی یعنی هر شیوه متمایز و قابل تشخیص زیستن که این شیوه زیستن معمولاً در بین تعداد قابل توجهی از مردم عمومیت دارد. (همان: ۲۲)

1. Sobel.

دیوید چینی (۱۹۸۷) نیز در کتابی که با نام سبک زندگی منتشر کرد، می‌نویسد: «پدیده سبک زندگی، محصول کتمان‌ناپذیر توسعه مدرنیته است و نه تنها به مثابه ایده اهمیت زیادی دارد، بلکه تلاشی در جهت نمایش هویت فردی و تعریف ویژگی مدرنیته بوده است» (همان: ۱۵۸). بنابر این، چینی به کارکرد هویت‌بخشی سبک زندگی نیز اشاره می‌کند.

از نظر چینی، افرادی که در جوامع مدرن زندگی می‌کنند، از مفهوم سبک زندگی برای توصیف اعمال خود و سایرین استفاده می‌کنند. سبک‌های زندگی، الگوهایی از کنش هستند که افراد را از یکدیگر متمایز می‌کنند. سبک‌های زندگی کمک می‌کنند تا آنچه مردم انجام می‌دهند و چرایی و معنایی آن را که برای آنها و دیگران دارد، درک شود. با اینکه سبک‌های زندگی، بخشی از زندگی اجتماعی روزمره نوین هستند و به صورت فرهنگی وابسته‌اند، اما هر یک سبک و منش و راهی برای استفاده از کالاها، مکان‌ها و زمان‌های خاص است که اگر چه از مشخصات یک گروه محسوب می‌شوند، اما کل تجربه اجتماعی آنها نیست. چینی، سبک‌های زندگی را مجموعه اعمال و نگرش‌هایی می‌داند که در متن و زمینه‌های خاص قابل درک می‌باشند. (چینی، ۱۹۹۶: ۴)

سولومون<sup>۱</sup> اعتقاد دارد که هر جامعه‌ای دارای سبک و شیوه زندگی متفاوتی است. سبک زندگی، فعل و انفعال فرد را در محیط زندگی او نشان می‌دهد. در جوامع سنتی، انتخاب‌های مبتنی بر مصرف، به شکل گسترده‌ای بر اساس طبقه، کاست، محیط روستا یا خانواده دیکته می‌شود؛ در حالی که در جوامع مدرن، مردم دارای آزادی عمل بیشتری در انتخاب کالاها و خدمات و فعالیت‌هایی‌اند که به نوبه خود، هویت اجتماعی را خلق می‌کند (سولومون، ۱۹۹۴: ۴۳۸). اساساً سبک زندگی و هویت به عنوان ابزاری برای درک چگونگی تغییر افراد و جامعه به کار می‌روند. در جوامعی که سنت‌گرایی را کنار گذاشته‌اند، سبک زندگی به معضلی برای مردم تبدیل شده است. همان‌گونه که گیدنز اشاره می‌کند، هر چه موقعیت‌هایی که فرد در آن قرار دارد، بیشتر رشد کرده باشد، سبک زندگی بیشتر به هسته خودشناسی می‌پردازد (روزنرگن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶: ۲۵۶). از این رو، گیدنز سبک زندگی را روایتگر هویت شخصی افراد در دوره مدرنیته متأخر می‌داند که این

1. Solomon.  
2. Giddens.  
3. Rosengern.



امر نیز ناشی از افول ارزش‌ها و سنت‌های هویت‌ساز و همچنین، اهمیت یافتن «خود» در زندگی روزمره است. در واقع گیدنز، سبک زندگی را به مجموعه‌ای از رفتار تعبیر کرده که فرد آنها را به کار می‌گیرد تا نه فقط نیازهای جاری خود را برآورد، بلکه روایت خاصی را که او برای هویت شخصی خود برگزیده است، در برابر دیگران نیز مجسم سازد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۲۰). البته اشیپارگان به تبعیت از گیدنز، رفتاری را مشخصاً سبک زندگی می‌داند که «روایتی از خود» در آن مستتر باشد؛ زیرا بسیاری از رفتارها فقط به قصد برآوردن نیازهای اولیه انجام می‌شوند. (فاضلی، ۱۳۸۲: ۶۹)

بورديو<sup>۱</sup> نیز مفهوم سبک زندگی را در زندگی روزمره کشور فرانسه به صورت میدانی مورد مطالعه قرار داده و بر این باور است که: سبک زندگی که شامل اعمال طبقه‌بندی شده و طبقه‌بندی‌کننده فرد در عرصه‌هایی مانند تقسیم ساعات شبانه‌روز، نوع تفریحات و ورزش، شیوه‌های معاشرت، اثاثیه و خانه، آداب سخن گفتن و راه رفتن است، در واقع عینیت‌یافته و تجسم‌یافته ترجیحات افراد است. از یک‌سو، سبک‌های زندگی شیوه‌های مصرف‌عاملان اجتماعی‌ای است که دارای رتبه‌بندی‌های مختلفی از جهت شأن و مشروعیت اجتماعی‌اند. این شیوه‌های مصرفی، بازتاب نظام اجتماعی سلسله‌مراتبی است؛ اما چنانچه بورديو در کتاب «تمایز بر حسب منطق دیالکتیکی» نشان می‌دهد، مصرف صرفاً راهی برای نشان دادن تمایزات نیست، بلکه خود راهی برای ایجاد تمایزات نیز به شمار می‌رود. (باکاک، ۱۳۸۱: ۹۶)

ذائقه و ترجیحات زیباشناختی متفاوت، سبک‌های زندگی متفاوتی را نیز ایجاد می‌کند. بنابر این، سبک زندگی محصول نظام‌مند عادت‌واره است که از خلال رابطه دوجانبه خود با رویه‌های عادت‌واره درک می‌شود و تبدیل به نظام نشانه‌هایی می‌گردد که به گونه‌ای، جامعه نیز مورد ارزیابی قرار گیرد (بورديو، ۱۹۸۴: ۱۷۲). چنانچه بورديو در عبارت مذکور نیز اشاره می‌کند، مصرف به منزله نظامی از نشانه‌ها و نمادها مطرح است که کارکردهایی چون تمایزگذاری اجتماعی دارد که البته به نظر بورديو معنایش از همین تفاوت و تمایز ناشی می‌شود و چیزی جز آن نیست. از این رو، در بحث بورديو، مصرف همانند پاسخ به نیازهای زیستی مطرح نمی‌شود، بلکه مصرف به منزله استفاده از نظامی از نشانه‌ها و نمادها مطرح است (همان: ۶۶) که البته خود این نشانه‌ها و نمادها

1. Bourdieu.

از خلال فرایند مصرف تولید می‌شوند. از این رو، مصرف در اندیشهٔ بوردیو، بر خلاف مارکسیسم کلاسیک، صرفاً یک متغیر وابسته نیست؛ البته جامعه‌شناسان آمریکایی بیشتر به مصرف مادی توجه کرده‌اند؛ اما بوردیو و جامعه‌شناسان اروپایی بیشتر به مصرف فرهنگی تأکید داشته‌اند؛ اگر چه همهٔ نظریه‌پردازان بر این نکته توافق دارند که همواره هر سبک زندگی، از یک الگوی مصرف پیروی می‌کند. از این منظر، بوردیو نیز معتقد است الگوهای مصرف، اصلی‌ترین منشأ بروز سبک‌های زندگی می‌باشند.

## ۲. شاخص‌های سبک زندگی

با توجه به تعریف مفهوم سبک زندگی که شامل رفتارها، نگرش‌ها و ارزش‌هاست، شاخص‌های آن نیز بسیار گسترده و وسیع است که طبعاً نمی‌توان همهٔ آنها را برشمرد. جامعه‌شناسان نیز به تبع این گستردگی، شاخص‌های زیادی را معرفی کرده‌اند؛ به طوری که عده‌ای از محققان بر این باورند که سبک‌های زندگی را باید صرفاً بر اساس فعالیت و رفتار تعریف کرد و نه ارزش‌ها و نگرش‌ها. در مقابل، عده‌ای از نظریه‌پردازان معتقدند: ارزش‌ها مهم‌ترین مؤلفهٔ سبک زندگی را تشکیل می‌دهند. مطابق این دیدگاه، سبک زندگی یک فرد، اساساً بیانگر ارزش‌های اوست. (فاضلی، ۱۳۸۲: ۷۹)

راجر براون<sup>۱</sup> معتقد است شاخص‌های سبک زندگی، در بی‌اهمیت‌ترین چیزها از قبیل عادات نوشیدن و خوردن سالاد شکل گرفته تا انتخاب کلمات و طرز پوشش و عادت نشستن؛ همچنین، شیوه‌های تربیت کودکان، رفتارهای جنسی، بهداشتی، مذهبی و سیاسی و میزان عصبی یا روانی بودن (براون، ۱۹۶۵: ۱۳۲)

شاخص‌هایی که وبر<sup>۲</sup> در شکل‌گیری سبک زندگی مؤثر دانسته، عبارتند از: شیوه‌های رفتار، لباس پوشیدن، سخن گفتن، اندیشیدن و نگرش‌هایی که مشخص‌کنندهٔ گروه‌های منزلتی متفاوت است (تامین، ۱۳۷۳: ۱۱۰). تورستین وبلن<sup>۳</sup> نیز با توجه به مصرف متظاهرانه که در خصوص طبقهٔ مرفه آمریکا بیان کرده و همچنین، مفهوم مُد و مُدگرایی را مطرح کرده است، شاخص‌هایی از قبیل اثاثیه و دکوراسیون منزل، نوع پوشاک و لباس، رفتارهای بیانگر نجیب‌زادگی و طبقهٔ مرفه، شیوه‌های گذران اوقات فراغت و تفریح،

1. Roger Brown.  
2. Max Weber.  
3. Thorstein Veblen.



داشتن پیشخدمت و ... را معرفی کرده است. چاپین<sup>۱</sup> بر اساس تحقیقات میدانی موسوم به مقیاس اتاق نشیمن، مواردی چون: محل سکونت، نوع خانه و وسایل اتاق نشیمن را معرفی کرده است. (چاپین، ۱۹۳۵: ۳۷)

پارسونز<sup>۲</sup> نیز شاخصه‌هایی از الگوهای فتاوری مدرن را معرفی کرده که عبارتند از: خودروهای خانواده، یخچال، ماشین لباسشویی و تلویزیون (پارسونز، ۱۹۶۴: ۵۱۵). شاخص‌های گوردن<sup>۳</sup> عبارتند از: الگوهای مصرف، نوع لباس، نحوه صبحت، نگرش‌ها و الگوهای فرهنگی از قبیل عقلانیت، دین، خانواده، میهن‌دوستی، آموزش، هنرها و ورزش. (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۵۹)

ویلیام لوید وارنر<sup>۴</sup> در دهه ۱۹۳۰ با استفاده از مفهوم منزلت و حیثیت اجتماعی وبر، چارچوب نظری تحقیقاتش را در راستای قشربندی و بررسی سبک زندگی در یانکی‌سیتی بر شاخص‌هایی از قبیل محل اقامت خانواده، شیوه کسب معاش، نحوه گذران اوقات فراغت و سلیقه فرهنگی، تفریحات و سلیقه‌های ورزشی، به تفاوت‌های دینی و چشم‌اندازهای اخلاقی، ارزش‌های سیاسی، الگوهای زندگی خانوادگی، روابط زناشویی و تربیت کودک در تحقیقات خود پرداخته است. (تامین، ۱۳۷۳: ۱۴۴-۱۳۷)

با توجه به تعاریف سبک زندگی که بیانگر رفتار انسان‌ها و در واقع؛ جنبه عینی و تبلور یافته ذهنیت و البته نگرش‌ها و ارزش‌های آنان است و به نوعی چگونگی ارتباطات عاملیت و ساختار در مباحث بوردیو و گیدنز را به نمایش می‌گذارد، شاخص‌های سبک زندگی را می‌توان در هشت شاخص کلی به شرح ذیل دسته‌بندی کرد؛ اگر چه هر یک از شاخص‌ها متناسب با نقش و تأثیراتشان در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها، هم اولویت‌بندی می‌شوند و هم از سطح اهمیت بیشتر یا کمتری برخوردار خواهند بود.

۱. رفتار فردی: مدیریت بدن و خودآرایی، انتخاب پوشاک و خوراک؛

۲. رفتار خانوادگی: اثاثیه منزل، شیوه آرایش منزل، داشتن پیشخدمت، تقسیم‌بندی

فضاهای خصوصی و عمومی، نامگذاری فرزندان، ضوابط و روش‌های تربیت کودک؛

۳. رفتار اجتماعی: انتخاب ماشین، مسکن و دوستان، شغل و جایگاه شغلی؛

1. Chapin.

2. Parsons.

3. Gordon.

4. W.L. Warner.

۴. رفتار فرهنگی: استفاده از رایانه و اینترنت، مدرک تحصیلی، مطالعه کردن (کتاب، روزنامه و مجله)، بازدید از موزه‌ها و رفتن به نمایشگاه‌های هنری، اهمیت دادن به کالاهای هنری مانند تابلوهای نقاشی، شرکت کردن در انواع فعالیت‌های هنری؛
۵. رفتار فراغتی: مشاهده رسانه‌ها (تلویزیون و ماهواره)، رفتن به تئاتر و سینما، موسیقی گوش کردن، ورزش کردن، دسترسی به ماهواره، برنامه‌ریزی برای تعطیلات و رفتن به مسافرت، استراحت کردن، تفریحات و گردش‌های تفریحی، دید و بازدیدهای عمومی، بازدید از نمایشگاه‌های عمومی؛
۶. رفتار اقتصادی: الگوی مصرف، چگونگی استفاده کردن از پول، قدرت خرید، مطابق مد روز خرید کردن؛
۷. رفتار سیاسی: عضویت در گروه‌ها و احزاب سیاسی، شرکت در همه انتخابات، میانگین میزان به فکر مسائل سیاسی بودن، اطلاع از اخبار سیاسی روز؛
۸. دینداری: شرکت در اجتماعات دینی، حضور در اماکن مذهبی، انجام دادن مناسک دینی. (احمدی، ۱۳۹۳: ۶۲-۶۰)

### ز) چارچوب مفهومی

مفهوم سبک زندگی در چندین دهه اخیر و به طور خاص با مطالعات پی‌یر بوردیو و پیروان او مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. بوردیو در کتاب «تمایز»، دیدگاه طبقاتی را با محوریت اقتصاد نقد کرده است. او جامعه معاصر را جامعه متمایز بر اساس وجود انواع سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی می‌داند. بدین لحاظ جامعه مورد نظر بوردیو، هم پیچیده‌تر و هم توسعه‌یافته‌تر از جامعه‌ای است که مارکس وبر از آن سخن گفته‌اند. او راز و رمز بقا و توسعه جامعه جدید را بر تمایزات اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی تا صرفاً تمایزات اقتصادی می‌داند. بوردیو برای بیان این معنی، از نظام مفهومی جدیدی از قبیل میدان، ذائقه، انواع سرمایه و به طور خاص سرمایه فرهنگی استفاده کرده است (ازاد ارمکی: ۱۳۸۶). وی بر این باور است که: حجم و انواع سرمایه‌ها طبقه را شکل می‌دهد و عادت‌واره افراد نیز درون هر طبقه را به یکدیگر وصل می‌کند و بر مبنای این منش مشترک، سبک‌های زندگی شکل می‌گیرد. از این رو، سبک زندگی متأثر از ذائقه و ذائقه پیامد عادت‌واره و عادت‌واره نیز محصول جایگاه فرد در ساختارهای عینی اجتماعی است.





جایگاه فرد در ساختار اجتماعی که مشخص‌کننده میزان بهره‌مندی وی از انواع سرمایه است، عادت‌واره او را شکل می‌دهد و عادت‌واره نیز مولد دو نوع نظام است: یکی، نظامی از رویه‌های ادراک و ارزیابی؛ یعنی همان ذائقه و دیگری، نظامی از رویه‌های ایجادکننده اعمال قابل طبقه‌بندی. تعامل این دو نظام، سبک زندگی را ایجاد می‌کند. به همین جهت، ذائقه و ترجیحات زیباشناختی متفاوت، سبک‌های زندگی متفاوت را ایجاد می‌کنند. نکته مهم‌تر آنکه، رابطه عادت‌واره و ساختار اجتماعی نیز یک‌سویه نیست، بلکه بوردیو از رابطه دیالکتیکی شرایط و عادت‌واره سخن می‌گوید که سبب تغییر در توزیع سرمایه و توازن رابطه قدرت در جامعه می‌شود و سیستمی از تفاوت‌های ادراک شده و دارایی‌های متمایز ایجاد می‌کند که در واقع همان توزیع سرمایه نمادین و سرمایه مشروعی است که حقیقت عینی را تحریف می‌کند (همان)؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت: سرمایه نمادین، محصول شناخته شدن و به رسمیت شناخته شدن توسط دیگران است و طبعاً نیازمند آن است که مقوله‌های فهم و ادراک دیگران، این اعمال و رویه‌های مصرفی را به عنوان برترشناسایی کنند.

بدین ترتیب، از نظر بوردیو، سبک زندگی، شامل اعمال طبقه‌بندی شده و طبقه‌بندی‌کننده فرد در عرصه‌هایی چون: تقسیم ساعات شبانه‌روز، نوع تفریحات و ورزش، شیوه‌های معاشرت، اثاثیه و خانه، آداب سخن گفتن و راه رفتن است که عینیت‌یافته و تجسم‌یافته ترجیحات افراد است. (باکاک، ۱۳۸۱: ۹۶)

عمده‌ترین میراث اندیشه بوردیو برای تحلیل سبک زندگی، تبیین الگوهای مصرف و بررسی چگونگی تمایز طبقات از این طریق، تحلیل ترکیب انواع سرمایه است. از نظر بوردیو، سرمایه، نظام خوی و خصلت افراد وابسته به موقعیت‌هایی است که در جامعه اشغال می‌کنند؛ یعنی وابسته به میزان بهره‌مندی از سرمایه است. از نظر بوردیو، سرمایه، هر گونه خاستگاه و سرچشمه در عرصه اجتماعی است که در توانایی فرد برای بهره‌مندی از منافع خاصی که در این صحنه حاصل می‌گردد، مؤثر واقع می‌شود. بر این اساس از منظر بوردیو، سرمایه به چهار صورت دیده می‌شود: اقتصادی (دارایی، مالی و مادی)، فرهنگی (کالا، مهارت‌ها و عناوین نمادین کمیاب)، اجتماعی (منابعی که به صرف عضویت در گروه به فرد تعلق می‌گیرد) و نمادین (سرمایه‌هایی که افراد متوجه تأثیرات آن، آن‌گونه که هست، نیستند و آن را درک نمی‌کنند؛ مانند صفات اخلاقی که

به افراد گروه‌های مختلف نسبت می‌دهند). البته، سرمایه نمادین به دلیل موقعیت‌های کاریزماتیک یا با تکیه بر نمادها و قدرت‌های پیش‌زمینه‌ای، برای نمونه: دین، نهادها، سازمان‌ها، قومیت و...، برای فرد ایجاد می‌شود. بدین ترتیب، وضعیت و موقعیت هر فرد، گروه یا نهاد در فضای اجتماعی به وسیله دو مختصه ترکیب و حجم کلی سرمایه که آنها به دست می‌آورند، ترسیم می‌شود و البته سومین ویژگی نیز تغییر در این حجم و ترکیب است که در طول زمان، روند و مسیر فرد، گروه یا نهاد را در فضای اجتماعی مشخص می‌سازد. (استونز، ۱۳۷۹: ۳۳۶)

بنابر این، میدان یا فضای اجتماعی بر مبنای سرمایه ساخته می‌شود؛ به گونه‌ای که هر قدر سرمایه فرد بیشتر باشد، در میدان اجتماعی دارای موقعیت بالاتری قرار می‌گیرد. بوردیو استدلال می‌کند مردمی که به طور نزدیک در یک میدان اجتماعی قرار دارند، دارای مشابهت‌هایی بسیارند؛ حتی اگر هرگز یکدیگر را ندیده باشند. به عبارت دیگر؛ مردمی که در میدان اجتماعی مشابهی قرار دارند، ذائقه‌های مشابه و سبک‌های زندگی مشابه دارند (گیبیز و ریمر، ۱۳۸۱: ۱۱۶). در واقع؛ به ازای هر سطحی از موقعیت‌ها، سطحی از سبک زندگی‌ها و ذائقه‌ها وجود دارد که بر اثر شرایط اجتماعی مناسب با آن به وجود می‌آیند و به وسیله این سلیقه‌ها و ظرفیت تکثیرکننده آنها، مجموعه انتظام یافته‌ای از ثروت‌ها و خصلت‌ها به وجود می‌آید که در درون خود از نوعی وحدت روش‌ها برخوردارند. (بوردیو، ۱۳۸۱: ۳۵)

سرمایه از هر نوع آن، کالاها، منابع و ارزش‌هایی را از هم متمایز می‌سازد که درباره روابط قدرت در میدان خاصی تبلور یافته است. هر میدان به وسیله فشار یا نزاع میان خواسته‌های گروه‌های مختلف که برای کنترل بر سرمایه‌های یک میدان با هم کشمکش می‌کنند، مشخص می‌شود (همان: ۷۷). به عبارتی؛ در هر میدانی، توزیع سرمایه‌ها قدرت متفاوتی را به عاملان اجتماعی ارزانی می‌دارد که این تفاوت قدرت، روابط اجتماعی خاصی را برقرار می‌سازد که هدفشان تداوم حاکمیت و سلطه درون میدان است. اگر بخواهیم در این فرایند، جایگاه عادت‌واره را مشخص کنیم و چرخه آن را با میدان نشان دهیم، می‌بایست توزیع سرمایه‌ها و ساختار میدان را ترسیم کنیم. این ساختارها، عادت‌واره‌هایی را در افراد و گروه‌ها ایجاد می‌کند و آنها را به سوی موضع‌گیری‌هایی بر سر دستیابی به سرمایه‌ها رهنمون می‌سازد. موضع‌گیری‌ها نیز میان افراد و گروه‌ها تنش



ایجاد می‌کند و تنش‌ها به تغییر ساختارها می‌انجامد. به عبارتی؛ میدان دچار تحول شده، شکل جدیدی به خود می‌گیرد. این چنین است که میدان به وسیلهٔ این کشمکش‌ها مشخص می‌شود. اگر چه یک میدان تا حدود زیادی از میدان‌های دیگر مستقل و وابسته به وضعیت‌ها و موضع‌گیری‌های درونی خود است، اما نتیجهٔ منازعات درون آن هرگز به طور کامل، مستقل از عوامل بیرونی نیست. (همان: ۹۷-۹۶)

در واقع؛ سرمایه به میدان معنا می‌بخشد؛ به گونه‌ای که حجم و ترکیب انواع سرمایه‌ها نزد فرد، جایگاه وی را در سلسله‌مراتب میدان تعیین می‌کند. به عبارتی؛ می‌توان هر میدان را از طریق نوع و میزان سرمایهٔ موجود در آن شناسایی کرد. مفهوم ساختار نیز با توجه به دو مفهوم میدان و سرمایه تعریف می‌شود؛ بدین ترتیب، ساختار عبارت است از مجموعه پایگاه‌هایی که با توجه به حجم و ترکیب سرمایهٔ موجود در آنها، قابل مقایسه با یکدیگرند. منازعه درون هر میدان برای دستیابی به میزان بیشتری از سرمایه صورت می‌گیرد. (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۸)

بنابر این، جایگاه فرد در ساختار اجتماعی، مشخص‌کنندهٔ میزان بهره‌مندی وی از انواع سرمایه است و طبعاً هر فرد نیز میزانی از سرمایه را در اختیار دارد؛ به طوری که تمامی افراد جامعه دارای حجم خاصی از سرمایه‌اند؛ برخی دارای سرمایهٔ فرهنگی بیشتر و عده‌ای نیز دارای سرمایهٔ نمادین بیشتری‌اند یا افرادی از جامعه دارای سرمایهٔ اقتصادی بیشتر یا سرمایهٔ اجتماعی بیشتری‌اند. البته این سرمایه‌ها قابل سنجش بوده، در کل جمعیت توزیع شده‌اند. می‌توان طرح یا نقشه‌ای از آن جمعیت ترسیم کرد که در آن، همهٔ افراد جایگاهی مطابق با حجم و ترکیب سرمایهٔ خود داشته باشند (گرنفل، ۱۳۸۹: ۱۵۴). از این رو، توزیع سرمایه‌ها تعیین‌کنندهٔ موقعیت طبقاتی عینی فرد در نظام اجتماعی است. به عبارت دیگر؛ ساخت طبقاتی از طریق ترکیب انواع این سرمایه‌ها به وسیلهٔ گروه‌ها روشن می‌شود. طبقات بالا بیشترین میزان سرمایهٔ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین را دارند. طبقهٔ متوسط مقدار کمتری از این انواع را در اختیار دارد و طبقهٔ پایین نیز کمترین مقدار این ترکیب از منابع را مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد. (تورنر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸: ۵۱۳-۵۱۲)

بدین ترتیب، از منظر بورديو «سبک زندگی، محصولات سیستماتیک عادت‌واره‌اند که

1. Turner.

در روابط متقابل شان و به کمک طرح‌های عادت‌واره، درک و به نظام‌های نشانه‌ای تبدیل می‌شوند و به صورت اجتماعی مورد ارزیابی و قضاوت قرار می‌گیرند (ممتاز، کوچه‌بازاری و...). دیالکتیک شرایط و عادت‌واره، اکسیری است که توزیع سرمایه و ترازنامه رابطه قدرت را به نظام تفاوت‌ها و ویژگی‌های متمایز تبدیل می‌کند؛ یعنی به توزیع سرمایه نمادین و سرمایه مشروعی که حقیقت عینی‌اش به درستی شناخته نمی‌شود. (بورديو، ۱۳۹۰: ۲۴۱)

بورديو قصد داشت روابط میان شرایط وجودی، عادت‌واره و سبک زندگی را نشان دهد. وی معتقد است، افراد و گروه‌ها در یک جامعه، دارای موقعیت‌های متفاوتی‌اند (که همان میدان اجتماعی است). آنان با درونی کردن این موقعیت‌ها و نمادهای آن، یک نظام طبقه‌بندی اجتماعی را در ذهن خود پدید می‌آورند که این نظام، مجموعه‌ای از ترجیحات و انتخاب‌ها (از طریق سلیقه‌ها) را در ذهن افراد تولید می‌کند که معنا و ارزش‌شان از خلال روابط و تضادهایشان درک می‌شود. به عبارت دیگر؛ معنای‌شان ذاتی نیست، بلکه رابطه است. این ترجیحات و انتخاب‌ها وقتی در محدوده توانایی‌ها یا ناتوانی‌های اقتصادی و نمادین (یعنی همان سرمایه‌ها) در قالب کنش‌ها و دارایی‌ها بروز یابد، سبک‌های زندگی متمایز را پدید می‌آورد. به دیگر سخن؛ نظام اجتماعی باز تولید می‌شود؛ در ارتباط میان دو ظرفیت که عادت‌واره را تعیین می‌کند، ظرفیت تولید فعالیت‌ها و کارهای قابل طبقه‌بندی و ظرفیت تفکیک و درک اهمیت این فعالیت‌ها و محصولات (یعنی همان سلیقه‌ها) آنچه جهان اجتماعی را به نمایش می‌گذارد؛ یعنی فضای سبک زندگی شکل می‌گیرد. (بورديو، ۱۹۸۴: ۱۷۰)

### ح) رابطه دین و سبک زندگی از منظر بورديو

بورديو بر خلاف مارکس بر این عقیده است که عامل اقتصادی به تنهایی نمی‌تواند تعیین‌کننده شیوه زندگی افراد باشد و سرمایه‌های دیگری از قبیل سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی، نمادین (و دینی) نیز بر کنش و سبک زندگی انسان‌ها مؤثرند که دین نیز به عنوان یکی از سرمایه‌های اصلی جامعه، باعث می‌شود افراد متأثر از آن بتوانند نگرش‌ها، رفتارها و در نهایت سبک زندگی خود را از دیگران متمایز کنند.

رویکرد نظری بورديو در سبک زندگی که برگرفته از فلسفه دیالکتیکی وی است و



تمایزات را - که نتیجه شکل‌گیری سبک‌های زندگی است - از رهگذر شیوه‌های مختلف تملک سرمایه، چه اقتصادی و چه فرهنگی بررسی می‌کند، بسیار حایز اهمیت است. بورديو روش نهادی شدن فلسفه دیالکتیکی‌اش را از رهگذر مفهوم عادت‌واره میسر می‌داند که همان نظام‌های گرایش‌ات بادوام و قابل انتقال و بستر شکل‌گیری سلايق متفاوت است. (چینی، ۱۹۹۶: ۱۰۳)

ترنر از مفهوم عادت‌واره بورديو برای تأثیر دین و تحولات دینی بر سبک زندگی استفاده می‌کند. از نظر او، تمایلات افراد که در نظریه بورديو نشان‌دهنده ذائقه آنهاست، می‌تواند تمایلات دینی افراد را نیز شرح دهد و اینکه چطور در انجام وظایف دینی و مصرف کالاهای دینی (مانند غذای حلال) ذائقه خاصی را پیدا می‌کنند (ترنر، ۱۳۸۷: ۷). البته نه صرفاً توجه به اصل حرام و حلال در مصرف، بلکه توجه دینداران به سایر اصول مصرف اسلامی از جمله: دوری‌گزیدن از اسراف و تبذیر و توجه به اصل قناعت و... نیز بر سبک زندگی آنان تأثیرگذار خواهد بود. در واقع؛ دین نه تنها در مصرف کنشگران دینی اثر می‌گذارد، بلکه در انتخاب سایر ترجیحات و سلیقه‌ها و شاخص‌های سبک زندگی آنان از جمله: پوشاک و خوراک، شغل، اوقات فراغت، مسکن و خودرو و... نیز کنشگران را راهنمایی می‌کند و بر آنان تأثیر می‌گذارد. بنابر این، باورهای دینی کنشگران جامعه می‌تواند با انتخاب شیوه و سبک زندگی آنان ارتباط داشته باشد؛ همان‌گونه که بورديو معتقد است با برآورده شدن ضرورت‌ها و نیازهای فرد، او فرصت می‌یابد به فعالیت‌ها و دارایی‌هایش سبک ببخشد و از انتخاب‌های زیبایی‌شناختی خود لذت ببرد، این می‌تواند بر نوع و میزان نیازمندی فرد اثر گذارد و در فرایند سبک‌دهی به زندگی مؤثر واقع شود، این افراد نیز بر اساس سلیقه و انتخاب خویش شیوه‌ای را برای زندگی‌شان انتخاب کرده‌اند که با باورهای دینی آنها رابطه دارد. در واقع؛ خواهان رفاه نسبی در حد شئون و دوری از اسراف هستند. (تنهایی و خرمی، ۱۳۸۸: ۷۷)

مهم‌ترین مفهومی که در آرای بورديو ما را به تأثیر دینداری بر سبک‌های زندگی و شکل‌گیری سبک زندگی دینی هدایت می‌کند، مفهوم سرمایه است. وی سرمایه را تنها سرمایه اقتصادی نمی‌داند و قایل به انواع سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نمادین است. از این رو، منشأ تمایز میان افراد را در ترکیب انواع سرمایه و حجم آنها تلقی می‌کند؛ به طوری که عاملان اجتماعی در بعد اول بر اساس میزان کلی سرمایه‌ای



که در شکل‌های متفاوت آن دارا هستند و در بعد دوم بر اساس ساختار سرمایه‌شان؛ یعنی بر اساس وزن نسبی هر یک از انواع مختلف سرمایه، که به صورت جداگانه دارا هستند، جایگاهی را در میدان اجتماعی به دست آورده، توزیع و متمایز می‌شود (بورديو، ۱۳۸۱: ۳۴). همچنین وی تمک و ترکیب انواع سرمایه‌ها را منشأ تفاوت در ذائقه‌ها می‌داند و از انواع ترجیحات ذائقه‌ای در موسیقی، غذا و آشپزی، ورزش، علایق سیاسی، ادبیات و حتی آرایش مو سخن می‌گوید. (بورديو، ۱۹۸۴: ۱۰۰)

همان گونه که پیش‌تر، انواع سرمایه از منظر بورديو ذکر شد، دین جزء سرمایه‌نمادین بورديو است؛ سرمایه‌ای که ریشه‌شناختی داشته و سرمایه‌مشروعیت نامیده می‌شود؛ سرمایه‌ای که دسته‌ای از اعضای اجتماع آن را درک می‌کنند، به رسمیت می‌شناسند و برای آن ارزش قابل می‌شوند. این سرمایه که از شأن و حیثیت شخص سرچشمه می‌گیرد، مجموعه ابزارهای نمادینی چون: پرستیژ، احترام، قابلیت‌های فرد در رفتارها و گفته‌ها و نیز شکوه و فرهمندی را به فرد اعطا می‌کند (فکوهی، ۱۳۸۴: ۳۰۰). در واقع؛ سرمایه‌نمادین، مجموعه آداب وابسته به افتخار یا حق‌شناسی است که به فرد یا گروه تعلق می‌گیرد (زنجانی‌زاده، ۱۳۸۳: ۳۶). البته بورديو بر این باور است که افراد آن گونه که باید، تأثیرات سرمایه‌نمادین را متوجه نیستند و آن را درک نمی‌کنند؛ مانند صفات اخلاقی که به افرادی از طبقه بالای جامعه، به دلیل بذل وقت و پول برای امور خیریه نسبت به داده می‌شود. (استونز، ۱۳۷۹: ۳۳۵)

بورديو به مسئله نهاد دین و تأثیرات آن، با تکیه بر الگوی کنش خود پرداخته است. او بر این باور است که دین یک میدان رقابتی را ایجاد می‌کند که کنشگران در آن به رقابت بپردازند (بورديو، ۱۳۸۱: ۹۳). از این رو، دین نه تنها جزء سرمایه‌نمادین به‌شمار می‌رود، بلکه به عنوان یک نظام معنایی، با سایر سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز رابطه تنگاتنگی دارد؛ به طوری که اولاً، می‌تواند سایر سرمایه‌ها را تقویت و ثانیاً، از راه‌های گوناگون نقش مهمی در ایجاد سرمایه‌ها ایفا کند؛ زیرا اکثر آموزه‌های مؤثر در ایجاد سرمایه اجتماعی منحصر به دین است. بنابر این، هیچ پدیده دیگری نمی‌تواند بدیل این نظام معنایی قرار گیرد و کارکرد و نقش دین را ایفا کند. اگر چه برخی از آموزه‌ها در انحصار دین نیستند، ولی وقتی دین آنها را مورد تأکید قرار می‌دهد، نگاه کنشگران را نسبت به آن تغییر داده، نسبت به انجام و عدم انجام آن، رویکرد متفاوتی را از خود نشان می‌دهند. در این خصوص، بورديو بر این باور است که نظام‌های دینی به واسطه ساختار



نمادین‌شان، مستعد اجرای کارکردهای اجتماعی دوگانهٔ فراگیری- طرد، رابطه - گسست و ادغام- تمایزیابی هستند(تامسون، ۱۳۸۱: ۱۸۲). از این رو، دین از نظر بوردیو، یک نظام نمادین است که به طور همزمان، هم ساخت‌یافته و هم ساخت‌دهنده است.(دیلون، ۲۰۰۱) به پیروی از چارچوب فکری و نظری بوردیو، می‌توان بررسی کرد که چگونه شیوه‌های مختلف تملک سرمایه(به ویژه سرمایهٔ دینی) در داخل گروه‌هایی از مردم، منظومه‌های متفاوتی از ذوق و قریحه به بار می‌آورد که با توقعات متفاوت بسیار تمایز یافته‌ای نسبت به مصرف هنری، اثاثیه، دکوراسیون منزل، فعالیت‌های فراغتی، مدیریت بدن و... همراه است که مؤلفه‌های سبک زندگی به شمار می‌روند.(احمدی، ۱۳۹۳: ۱۹)

بنابر این، افراد و گروه‌ها بر حسب موقعیت‌های متمایز و متفاوتی که در میدان اجتماعی دارند که بر گرفته از تملک سرمایه‌های گوناگون است و در نتیجه، با درونی کردن این وضعیت و نمادهای آن (عادت‌واره‌ها)، موضع و نظام طبقه‌بندی اجتماعی مشخصی را کسب می‌کنند. از قبال این نظام، ترجیحات و ذائقه‌هایی در ذهن و اعمال شخص ایجاد می‌شود که در تمایز و گاهی در تضاد با افراد و گروه‌های دیگر است. این ترجیحات و ذائقه‌ها در محدودهٔ سرمایه‌های فرد(اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نمادین) در قالب کنش‌ها و اعمالی بروز می‌یابد که سبک‌های زندگی متمایز و متنوعی می‌آفریند(بوردیو، ۱۹۸۴؛ نقل از: مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۱۶۳). بنابر این، افراد مختلف با سرمایه‌های متفاوت دینی(میزان پایین یا بالای دینداری) دارای ترجیحات و ذائقه‌های متمایز و تا حدی متضاد در نحوهٔ خوراک، پوشاک، اوقات فراغت، مدیریت بدن و... می‌شوند و در نهایت، سبک‌های زندگی‌شان تحت نفوذ دین یا کاهش نفوذ دین، شکل سنتی یا مدرن می‌گیرد و از آنجا که بوردیو بر این باور است کنشگران با به نمایش گزاردن سبک زندگی خود، قصد تمایز خود از دیگران را در جامعه دارند، دینداران نیز با سبک زندگی متفاوت خود، وجه تمایز یافتگی‌شان را در جامعه به نمایش می‌گذارند.

### ط) رابطهٔ سبک زندگی و هیئت‌های مذهبی

همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد، از منظر برخی از جامعه‌شناسان، دین زائیدهٔ مناسک است و مناسک نیز بر مبنای باورها شکل می‌گیرند و ایمان مؤمنان به باورها نیز



از خلال مناسک تولید و تقویت می‌شود که ما در این تحقیق بر یکی از با اهمیت‌ترین مناسک شیعیان؛ یعنی هیئت‌های مذهبی تأکید کرده، رابطه آن را با سبک زندگی مورد مذاقه قرار می‌دهیم.

با توجه به مشاهده جلسه‌های مذهبی و شرکت‌کنندگان در آنها و همچنین مصاحبه غیر رسمی با افراد شاخص و باسابقه حضور بالا در این جلسه‌ها، می‌توان گفت میان باورهای دینی افراد با سبک زندگی آنان رابطه معناداری برقرار است و از آنجا که سبک زندگی راه‌ها و شیوه‌های انتخابی و سلیقه‌ای و ترجیحی برای گذراندن امور زندگی است و افراد بر اساس سلیقه و انتخاب خویش راه‌های متفاوتی را برمی‌گزینند و از طرف دیگر، باورهای دینی نیز مجموعه‌ای از نگرش‌ها، اعتقادات و باورهای درونی افراد است، بنابر این شرکت‌کنندگان در این جلسه‌ها نیز بر اساس باورهای درونی خود جلسه‌ها را انتخاب کرده، در آنها شرکت منظم و مستمر داشته‌اند. می‌توان گفت آموزه‌هایی که مبلغ در این جلسه‌ها عنوان می‌کرد به نوعی با باورهای درونی و فطرت افراد سازگاری داشت (حضور مستمر افراد در این جلسه می‌تواند بیانگر این مطلب باشد) و این آموزه‌های رفتاری و ارزشی تا حدودی مبین سبک زندگی‌ای است که مبلغ درصدد ترویج آن است. (تنهایی، ۱۳۸۸: ۷۷)

بر اساس این رویکرد، سرمایه دینی برآمده از جهان‌بینی توحیدی، در کنار شعایر دینی و هیئت‌های مذهبی، می‌تواند مجموعه پیروان دینی را به صورت منسجم در شکل‌دهی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و نیز سلیقه‌ها و ترجیحات برآمده از آن یاری دهد. البته این موضوع، خود می‌تواند به شکل‌گیری الگوهای ویژه برای زندگی بینجامد و انواعی از سبک زندگی دینی را پدید آورد.

بر اساس چارچوب فکری و نظری بوردیو، چگونگی رابطه هیئت‌های مذهبی و سبک زندگی به شرح ذیل است:

یک) کنشگران، هیئت مذهبی خودشان را متناسب با سبک زندگی خود انتخاب می‌کنند؛ یعنی در هیئت‌هایی که با ذائقه و سلیقه آنان تناسب دارد، حضور یافته و شرکت می‌کنند؛ در جامعه ایرانی کاملاً این موضوع مشهود است. برخی از دینداران با وجود بودن مسجد یا هیئت‌های مذهبی در محله خود، در برنامه‌های مساجد و هیئت‌های مذهبی سایر محلات شرکت می‌کنند؛ زیرا با سلیقه و ترجیحات آنان سازگاری بیشتری دارد. البته این سازگاری از جنبه‌های گوناگون است؛ به گونه‌ای که





هر یک از کنشگران متناسب با سبک زندگی خود از لحاظ سن، جنس، مکان، زمان، فعالیت و محتوا، هیئت‌های مذهبی را انتخاب می‌کنند. به طور مثال، جوانان که از لحاظ جسمی پرتحرک و از لحاظ روحی نیز هیجانی، با نشاط و فعالند، با توجه به اقتضائات سنی خود و البته سلیقه‌ها و ترجیحات جوانی هیئت مذهبی‌شان را انتخاب می‌کند؛ همان گونه که لباس، خوراک، کتاب، رشته تحصیلی، اوقات فراغت و سایر نیازمندی‌های خود را متناسب با ذوق و سلیقه‌شان انتخاب می‌کنند؛ مثلاً در هیئتی حضور می‌یابند که سینه‌زنی و شورخوانی آن بیشتر است؛ یا مطالب سخنران آن جذاب، نو و با ادبیات جوانان سازگارتر است. وضعیتی که به طور کلی تشریح شد، در جامعه کاملاً مشهود است و نگارنده در تحقیقی مستقل، شرکت‌کنندگان هیئت‌های غیر سنتی را تیپ‌های خاصی از جوانان با ویژگی‌های ذکر شده، شناسایی کرده است (احمدی و بهار، ۱۳۹۳)؛ البته برای بررسی دقیق و بیشتر، برای استناد علمی، این موضوع مستلزم تحقیق میدانی مستقل دیگری است. گفتنی است در دوران گذشته (رژیم طاغوت) تعداد و تنوع مناسک مذهبی محدود بوده و طبعاً به قشربندی و سبک زندگی کنشگران مذهبی نیز توجه نمی‌شده است؛ زیرا فضا و میدان اجتماعی مناسبی نبوده است. اما بحمدلله بعد از وقوع انقلاب اسلامی و به ویژه در دهه اخیر، هیئت‌های زیادی تشکیل شده‌اند که متناسب با سلیقه‌ها و ترجیحات گوناگون اقشار مختلف جامعه‌اند؛ به گونه‌ای که به تعبیر گیدنز که انتخاب را ویژگی اصلی سبک زندگی معرفی می‌کند، کنشگران مختلف جامعه می‌توانند هیئت مذهبی متناسب با سبک زندگی خود را از میان ده‌ها هیئت موجود در جامعه انتخاب کرده، از برنامه‌های آن بهره‌مند شوند. (دو وقتی کنشگران و دینداران جامعه، هیئتی متناسب با سبک زندگی خود را برمی‌گزینند و در آن شرکت می‌کنند، تأثیر این هیئت با برنامه و محتویاتی که دارد، بر سبک زندگی آنان چگونه خواهد بود؟

۱. هیئت‌های مذهبی فرصت‌های مناسبی برای تقویت، پایداری و تداوم سبک‌های زندگی شرکت‌کنندگان است؛ به گونه‌ای که هر یک از محتواهای چهارگانه هیئت‌ها (قرائت قرآن و دعا و زیارت، سخنرانی و مداحی) می‌بایست به طور ایده‌آل، مستمعین خود را با سبک زندگی اسلامی آشنا کرده، شیوه‌های تداوم و تقویت این سبک زندگی را به آنان آموزش دهند و البته با جلب رضایت و خشنودی آنان، برای حضور مستمرشان در هیئت نیز تلاش کنند.



۲. کنشگران با میدان‌ها و فضا‌های مختلفی در جامعه مواجه می‌شوند که تأثیرات زیادی بر سبک زندگی آنان خواهد داشت و با توجه به اینکه عادت‌واره یا نظام خوی و خصلتی که افراد کسب می‌کنند، به موقعیت (یا موقعیت‌هایی) که در میدان جامعه اشغال می‌کنند، بستگی دارد (استونز، ۱۳۷۹: ۳۳۵)، بنابر این، کنشگران دیندار با حضور در هیئت‌های مذهبی، با تغییر میدان اجتماعی و بهره‌مندی از برنامه و محتوای هیئت‌ها، در واقع در پایداری عادت‌واره‌های خود و همچنین در درونی کردن خوی و خصلت دینی، خود را در برابر تأثیرات مخرب برخی از میدان‌های اجتماعی واکسینه کرده، از ابتلا به برخی از آسیب‌های اجتماعی پیشگیری می‌کنند؛ زیرا در جوامع پیشرفته (و امروزی) افراد با فضای اجتماعی یکپارچه مواجه نیستند. (استونز، ۱۳۷۹: ۳۳۶)

۳. با توجه به نظر بوردیو، جایگاه فرد در ساختار اجتماعی، مشخص‌کننده میزان بهره‌مندی وی از انواع سرمایه است و طبعاً هر فرد نیز میزانی از سرمایه را در اختیار دارد؛ به طوری که تمامی افراد جامعه دارای حجم خاصی از سرمایه هستند (گرنفل، ۱۳۸۹: ۱۵۴). بدین ترتیب، دینداری که با سبک‌های مختلف زندگی در هیئت‌های مذهبی متناسب با سلیقه و ترجیحات خود شرکت می‌کنند، در واقع با بهره‌مندی از برنامه‌ها و محتوای ظاهری و باطنی هیئت (اثرات معنوی و ما بعد الطبیعه و الهی)، سرمایه‌های مذهبی خود را کسب کرده، افزایش می‌دهند تا بدین سبب، با برتری سرمایه مذهبی در کنار سایر سرمایه‌ها و تأثیرگذاری بر سایر سرمایه‌ها، موقعیت عینی و دینی خود را در نظام اجتماعی تثبیت کنند و در واقع؛ یک سبک زندگی دینی و اسلامی را به نمایش بگذارند. البته هیئت‌های مذهبی صرفاً یکی از مهم‌ترین مناسک مذهبی است و دینداران می‌بایست برای جامعیت سبک زندگی اسلامی خود، از سایر منابع سرمایه‌ای مذهبی نیز بهره‌مند شوند که بحث آن در این مجال نمی‌گنجد.

### ی) جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد رابطه سبک زندگی را با یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مناسک دین اسلام به نام هیئت‌های مذهبی بررسی و تحلیل شود. به این منظور، سؤالاتی از قبیل اینکه: آیا میان مفاهیم سبک زندگی و هیئت‌های مذهبی رابطه معناداری وجود دارد و اگر دارد چه نوع رابطه‌ای است؛ آیا سبک زندگی برآمده از دین است یا اینکه



میان این دو مفهوم رابطه متقابل وجود دارد را مطرح کردیم و بر اساس مدل تبیینی بوردیو، که نظراتش دارای انسجام و قدرت تبیین‌کنندگی است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۴)، درصد پاسخگویی به هر یک از سؤالات مطروحه برآمدیم تا چگونگی رابطه این دو مفهوم را دریابیم.

همان‌گونه که ذکر شد، سبک زندگی از منظر بوردیو، متأثر از ذائقه و ذائقه پیامد عادت‌واره و عادت‌واره نیز محصول جایگاه فرد در ساختارهای عینی اجتماعی است. جایگاه فرد در ساختار اجتماعی که مشخص‌کننده میزان بهره‌مندی وی از انواع سرمایه است، عادت‌واره وی را شکل می‌دهد (بوردیو، ۱۹۸۴: ۱۷۲) و عادت‌واره نیز ساختار ذهنی یا شناختی است که مردم از طریق آن با جهان اجتماعی سروکار دارند. در واقع؛ مجموعه‌ای از شاکله‌های درونی شده به مردم اعطا شده است که به واسطه آنها جهان اجتماعی را مشاهده می‌کنند، می‌فهمند، احساس می‌کنند و ارزیابی می‌کنند. مردم با چنین شاکله‌هایی، هم عملکردهایشان را تولید و هم آنها را ادراک و ارزیابی می‌کنند. (ریترز، ۱۳۸۹: ۳۱۳)

بوردیو بر این باور است که در هر میدانی، توزیع سرمایه‌ها، قدرت متفاوتی را به عاملان اجتماعی می‌دهد که این تفاوت قدرت، روابط اجتماعی خاصی را نیز برقرار می‌سازد که هدفشان تداوم حاکمیت و سلطه در درون میدان است. به عبارت دیگر؛ توزیع سرمایه‌ها، ساختار میدان را ترسیم می‌کند (بوردیو، ۱۳۸۱: ۹۶). بنابر این، سرمایه به میدان معنا می‌بخشد؛ به گونه‌ای که حجم و ترکیب انواع سرمایه‌ها نزد فرد، جایگاه وی را در سلسله‌مراتب میدان تعیین می‌کند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۸). بدین ترتیب، از دیدگاه بوردیو، هر فرد میزانی از سرمایه را در اختیار دارد و تمامی افراد دارای حجم خاصی از سرمایه هستند (گرنفل، ۱۳۸۸: ۱۵۴). سرمایه‌های مورد نظر او عبارتند از: سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و سرمایه نمادین. جایگاه دین و مناسک دینی در سرمایه نمادین بوردیو منظور شده است؛ اگر چه خود دین نیز سرمایه‌ای است که می‌تواند بر سایر سرمایه‌ها تأثیر بگذارد و درصد تقویت آنها برآید.

بر اساس الگوی تبیینی بوردیو، می‌توان بررسی کرد که چگونه شیوه‌های مختلف تملک سرمایه (از جمله سرمایه مذهبی) در داخل گروه‌هایی از مردم، منظومه‌های متفاوتی از ذوق و قریحه به بار می‌آورد که همراه است با توقعات متفاوت بسیار تمایز یافته‌ای نسبت به مصرف هنری، اثاثیه، دکوراسیون منزل، فعالیت‌های فراغتی، مدیریت



بدن و... که در واقع؛ مؤلفه‌های سبک زندگی به شمار می‌روند. بنابر این، افراد و گروه‌ها بر حسب موقعیت‌های متمایز و متفاوتی که در میدان اجتماعی دارند و برگرفته از تملک سرمایه‌های گوناگون است، با درونی کردن این وضعیت و نمادهای آن (عادت‌واره‌ها)، موضع و نظام طبقه‌بندی اجتماعی مشخصی را کسب می‌کنند. از قبالی این نظام، ترجیحات و ذائقه‌هایی در ذهن و اعمال شخص ایجاد می‌شود که در تمایز و گاه در تضاد با افراد و گروه‌های دیگر است. این ترجیحات و ذائقه‌ها در محدوده سرمایه‌های فرد در قالب کنش‌ها و اعمالی بروز می‌یابد که سبک‌های زندگی متمایز و متنوعی می‌آفریند. بنابر این، افراد مختلف با سرمایه‌های متفاوت مذهبی (میزان پایین یا بالای دینداری) دارای ترجیحات و ذائقه‌های متمایز و تا حدی متضاد در نحوه خوراک، پوشاک، اوقات فراغت، مدیریت بدن و... می‌شوند و در نهایت، سبک‌های زندگی‌شان تحت نفوذ دین یا کاهش نفوذ دین، شکل سنتی یا مدرن می‌گیرد.

در مطالبی که ذکر شد، به خوبی روشن شد که دین به عنوان یک سرمایه، از طریق مناسک و هیأت‌های مذهبی که باورهای دینی مؤمنان را تولید و تقویت می‌کند، نقشی تأثیرگذار بر کنش و انتخاب سبک زندگی و نحوه مصرف کنشگران دینمدار دارد؛ به طوری که ارزش‌های دینی و اسلامی آنان، سبک زندگی‌شان را تعیین می‌کند و با حضور در فضای هیأت‌های مذهبی و با درونی و پایدار کردن عادت‌واره‌ها و خوی و خصلت‌های دینی خود، ضمن واکسینه شدن در سایر میدان‌های اجتماعی، از آسیب‌های احتمالی جامعه در سایر میدان‌های اجتماعی پیشگیری می‌کنند. همچنین، با کسب و افزایش سرمایه‌های دینی و مذهبی، موقعیت عینی و دینی خود را در نظام اجتماعی تثبیت می‌کنند؛ به گونه‌ای که یک سبک زندگی دینی و اسلامی را به نمایش بگذارند.

البته این رابطه یک‌طرفه نیست، بلکه دیالکتیکی و دارای رابطه‌ای متقابل است؛ به گونه‌ای که افراد جامعه نیز با توجه به نوع و شاخص‌های سبک زندگی خود، هیأت‌های مذهبی را انتخاب و گزینش و در برنامه‌های آنها شرکت می‌کنند تا با حضور خود در صدد تقویت و تداوم سبک زندگی‌شان برآیند؛ یعنی هیأت‌هایی را برمی‌گزینند که از لحاظ سن، جنس، مکان، زمان، فعالیت و محتوای مورد نظرشان همخوانی داشته باشد. همچنین، ضمن سازگاری برنامه‌های هیئت با سلیقه و ترجیحات زیبایی‌شناختی‌شان، ذوق و سلیقه آنان را نیز برانگیزانند. در واقع؛ هیئت‌ها با برنامه‌های مختلف، ضمن جلب



رضایت و خشنودی شرکت‌کنندگان خود، برای حضور مستمرشان در هیئت نیز تلاش کرده و در راستای بالندگی و سرزنده بودن آنان گام برمی‌دارند تا بدین ترتیب، با پایداری خصلت‌های درونی و افزایش سرمایه‌هایشان، سبک زندگی آنان را تقویت، پایدار و تداوم بخشند. البته اینکه هیئت‌ها با چه محتوا و چگونه در ایجاد، تقویت و پایداری سبک زندگی شرکت‌کنندگان خود به نحو شایسته و بایسته نقش‌آفرینی کرده و کارکرد واقعی خود را ایفا کنند، جای یک یا حتی چند پژوهش میدانی دارد و چه بسا هیئت‌ها از این منظر نیز گوناگون بوده و تفاوت‌های زیادی داشته باشند.

یکی دیگر از نتایج متفاوت این تحقیق، در خصوص سرمایه‌های مدّ نظر بوردیو است؛ به گونه‌ای که تقسیم‌بندی آن به چهار سرمایه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نمادین، متناسب با کشور فرانسه یا کشورهای مشابه آن است. از آنجا که در کشور ایران، به عنوان یک جامعه دینی و اسلامی، نقش دین - اعم از باورها و مناسک مذهبی از جمله هیئت‌های مذهبی - در تمامی نهادهای جامعه تأثیرگذار است، بنابر این به نظر می‌رسد سرمایه دینی و مذهبی - که بر اساس نظریه بوردیو، زیرمجموعه سرمایه‌های فرهنگی و نمادین به شمار می‌رود - می‌بایست یک سرمایه جداگانه در کنار سایر سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد؛ به گونه‌ای که جایگزین سرمایه نمادین بوردیو محسوب شود. بدین ترتیب، بوردیو به نقش تأثیرگذار و مهم سرمایه مذهبی در جوامعی مثل جامعه دینی ایران و کشورهای مشابه آن، توجه کافی نکرده است.

## منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶). «الگوهای سبک زندگی در ایران». تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی.
- احمدی، ابوالفضل (۱۳۹۱). تحلیل گفتمان سبک زندگی اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه شاهد.
- احمدی، ابوالفضل (۱۳۹۳). سبک زندگی اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری. تهران: امیرکبیر.
- احمدی، ابوالفضل و مه‌ری بهار (۱۳۹۳). «پرسی جامعه‌شناختی تغییرات کارکردی هیئت‌های مذهبی». فصلنامه مهندسی فرهنگی، ش ۸۰.
- استوری، جان (۱۳۸۶). مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه. ترجمه حسین پاینده. تهران: آگاه.
- استونز، راب (۱۳۷۹). متفکران بزرگ جامعه‌شناسی. ترجمه مهرداد میردامادی. تهران: مرکز.
- باکاک، رابرت (۱۳۸۱). مصرف. ترجمه خسرو صبری. تهران: شیرازه.



- بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۰). تمایز. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: ثالث.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۱). نظریه کنش؛ دلایل عملی و انتخاب عقلانی. ترجمه مرتضی مردی‌بها. تهران: نقش و نگار.
- تامسون، کنت و دیگران (۱۳۸۱). دین و ساختار اجتماعی. ترجمه علی بهرامپور و حسن محدثی. تهران: کویر.
- تاملین، ملوین (۱۳۷۳). «جامعه‌شناسی قشر بندی و نابرابری‌های اجتماعی». ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: توتیا.
- ترنر، برایان (۱۳۸۷). «مصاحبه دین و مدرنیته». ترجمه هادی نیلی. سایت نشریه علمی - اجتماعی جامعه‌شناسی ایران.
- تنهایی، ح.ا و شمسی خرمی (۱۳۸۸). بررسی رابطه جامعه‌شناختی باورهای دینی و سبک زندگی بر اساس نظریه و روش گافمن، مطالعه موردی کرمانشاه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. اراک: دانشگاه آزاد اسلامی.
- ریترز، جورج (۱۳۸۹). مبانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن. ترجمه شهناز مسمی‌پرست. تهران: ثالث.
- زنجانی‌زاده، هما (۱۳۸۳). «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی پی‌یر بوردیو». مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۲.
- غلامرضایی، علی‌اصغر (۱۳۸۹). «مبانی مصرف‌گرایی در دنیای جدید و اصول مصرف در اسلام با تأکید بر رسانه ملی». فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، ش بهار ۱۳۸۹.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی. تهران: صبح صادق.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۴). تاریخ نظریه‌های انسان‌شناسی. تهران: نی.
- گرنفل، مایکل (۱۳۸۹). مفاهیم کلیدی پی‌یر بوردیو. تهران: افکار.
- گیبینز، جان آر. و ریمر (۱۳۸۱). سیاست پست‌مدرنیته. ترجمه منصور انصاری. تهران: گام نو.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). تجدد و تشخیص. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نی.
- مظاهری، محسن حسام (۱۳۷۸). «رسانه شیعه: جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری و هیئت‌های مذهبی در ایران». تهران: چاپ و نشر بین‌الملل.
- مهدوی کنی، محمدسعید (۱۳۸۷). دین و سبک زندگی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- همیلتون، ملکم (۱۳۸۹). «جامعه‌شناسی دین». تهران: ثالث.
- Bourdieu, Pierre (1984). **Distinction**. London: Routledge & Kegan Paul.
- Brown, Roger (1965). **Psychology & Social Structure**. New York: The Free Press.
- Chaney, David (1996). **Lifestyles**. London: Routledge.
- Chapin, S. (1935). **Contemporary American Institutions**. New York: Harper and Bros
- Dillon, Michele (2001). **Pierre Bourdieu, Religion, and Cultural Production**. Cultural Studies, 429411-.
- Parsons, Talcotte (1964). **The Social System**. New York: a Free Press Paper Back and Macmillan. Pub.
- Rosengern, Karl Erik (1996). **Media Effects and Beyond: Culture, Socialization and Lifestyle**. London and New York: Routledge.

- Sobel, M. (1981). **Lifestyle and Social Structure: Concepts, Definitions, and Analyses**. Academic Press
- Solomon, Michael R. (1994). **Consumer Behavior**. Boston: Allyn & Bacon.
- Turner, Bryan S. (1998). **Orientalism, Postmodernism and Globalism**. UK: Routledge.



سال نهم - شماره ۸۳  
بهار ۱۳۹۴

